

کاربست نظریه تحول شش گانه شخصیت در درام

در سریال‌های «صاحب‌دلان»، «او یک فرشته بود»، «اغماء»، و «میوه ممنوعه»

فرزانه صادقی* محسن کرمی (نویسنده مسئول)**

چکیده

هدف: هدف از انجام پژوهش حاضر تحلیل سیر تحول شخصیت‌های درام از طریق کاربرد نظریه «تحول شش گانه شخصیت در درام» با مطالعه موردی مجموعه‌های نمایشی صاحب‌دلان، او یک فرشته بود، اغماء و میوه ممنوعه است. این پژوهش درصدد است تا با مطالعه و بررسی درام‌های مورد نظر، انواع سیر تحول شخصیت‌ها را مورد بررسی قرار دهد. همچنین این پژوهش قصد دارد نشان دهد تنوع تحول شخصیت‌ها در یک درام چه نقشی در کیفیت ساخت آن دارد.

روش‌شناسی پژوهش: روش این پژوهش تحلیل محتوای کیفی است که شامل شیوه‌های تخصصی در پردازش داده‌های پژوهشی است. این روش در جست‌وجوی دریافت جنبه‌های ادراکی و احساسی پیام‌ها و یا درک موارد پنهانی و قابل استخراج از بیانات و محتواهاست.

* کارشناسی ارشد، گروه هنرهای رسانه‌ای، دانشکده دین و رسانه، دانشگاه صداوسیما، قم، ایران،
mghammahmood@gmail.com

** استادیار، گروه هنرهای رسانه‌ای، دانشکده دین و رسانه، دانشگاه صداوسیما، قم، ایران،
mohsenkarami@iribu.ac.ir

بنابراین پژوهشگر در این مسیر، افزون بر بیان وضعیت و چگونگی پدیده یا موضوع، به تبیین چگونگی و سایر ابعاد آن و همچنین تحلیل کیفی محتوای اثر می‌پردازد.

یافته‌ها: انواع شش‌گانه تحول شخصیت، شامل: رستاخیز، سقوط، تعالی، تدنی، از قهقرا بازگشتن، و به قهقرا رفتن، جملگی در درام‌های مورد بررسی در این پژوهش وجود داشتند. به عبارت دیگر، تحول شخصیت‌های این درام‌ها آن‌گونه که در ابتدای امر به نظر می‌رسد تنها از مقوله رستاخیز (توبه) نیست، بلکه انواع دیگر تحول‌ها نیز در این درام‌ها وجود دارند. با این همه، در مجموعه‌ای مثل صاحب‌دلان که تحول شخصیت متنوع‌تر است، کیفیت درام نیز بالاتر است.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های تحلیل سیر تحول شخصیت‌ها در درام‌های مورد نظر می‌توان به این نتیجه رسید که برای داشتن فیلمنامه‌ای با کیفیت مطلوب، باید علاوه بر متحول شدن شخصیت قهرمان، سایر شخصیت‌های یک فیلمنامه نیز تحول پیدا کنند، هر چند نه به اندازه قهرمان.

کلیدواژه‌ها: رسانه، درام، شخصیت، سیر تحول شخصیت، نظریه تحول شش‌گانه شخصیت در درام.

مقدمه

قهرمان، شخصیت اصلی درام است که می‌تواند دارای ویژگی‌های مثبت یا منفی باشد. او برای رسیدن به هدف خود تلاش می‌کند، در حالی که موانعی برای رسیدن به آن وجود دارد. شخصیت در درام به معنای کسی است که بر طبق مشهورترین تلقی، باید تحول پیدا کند و وضع و حال او در ابتدا و انتهای درام متفاوت باشد. بنابراین شخصیت قهرمان در درام باید دچار تحول گردد.

تحول قهرمان یا سایر شخصیت‌ها در درام بر اساس نظریه‌ای به شش صورت می‌توانند شکل گیرند: ۱. تبدیل شخصیت مثبت به منفی، که سقوط نامیده می‌شود؛ ۲. تبدیل شخصیت منفی به مثبت، که رستاخیز نامیده می‌شود؛ ۳. تبدیل شخصیت مثبت به مثبت‌تر،

که صعود یا تعالی نامیده می شود؛ ۴. کاسته شدن از ویژگی های مثبت شخصیت مثبت و نزول یا تدنی او، در حالی که همچنان دارای شخصیت مثبت است و نمی توان او را شخصیت منفی نامید؛ ۵. تبدیل شخصیت منفی به منفی تر، که می توان آن را به قهقرا رفتن نامید؛ ۶. کاسته شدن از ویژگی های منفی یک شخصیت و تبدیل شخصیتی بسیار منفی به شخصیتی با ویژگی های منفی کم تر، که می توان آن را از قهقرا بازگشتن نامید. (کرمی، ۱۴۰۱)

با توجه به موارد بیان شده، ما به دنبال چگونگی و علت ایجاد تحول افراد در درام های دینی هستیم. برای این منظور، ساحت های موجود در دین را مورد بررسی قرار می دهیم. تمامی فیلسوفان و متکلمان در دین معتقدند همه ادیان به خصوص دین اسلام، دارای سه ساحت است: ساحت معتقدات، ساحت اخلاقیات و ساحت مناسک و شعائر.

تمام گزاره های ناظر به واقع که در متون مقدس اسلام به ما رسیده است، در ساحت معتقدات قرار دارند. گزاره های ناظر به ارزش ها و تکالیف اخلاقی، ساحت اخلاقیات را تشکیل می دهند، و گزاره های ناظر به ارزش ها و تکالیف شعائری و مناسکی، ساحت شعائر و مناسک دین را تشکیل می دهند. حال، بحث بر سر این است که تحول قهرمان در عالم درام به طور کلی و در درام های دینی به طور خاص شامل تحول درونی شخصیت ها می شود، که این امر می تواند شامل یک، دو، یا حتی ترکیبی از سه ساحت پیش گفته شود.

اغلب تصور بر این است که تحول شخصیت ها در عالم درام شامل دو نوع اول، یعنی رستاخیز یا سقوط، می شوند. به عبارت دیگر، تصور ابتدایی و ساده این است که شخصیت پویای عالم درام، که پویایی اش به تحول پذیری او است، فقط به یکی از این دو صورت تحول پیدا می کند: ۱) یا با شخصیتی مثبت مواجه ایم که آرام آرام تبدیل به شخصیتی منفی می شود (سقوط)؛ ۲) یا اینکه با شخصیتی منفی مواجه ایم که آرام آرام تبدیل به شخصیتی مثبت می شود (رستاخیز).

پژوهش حاضر درصدد است نشان دهد که این انواع شش گانه تحول در شخصیت های درام های تأثیرگذار دینی سال های اخیر در تلویزیون وجود داشته اند. بنابراین می توان از این تنوع تحولات شخصیت ها برای نگارش آثار پیچیده تر و فاخرتر بهره برد.

در پژوهش حاضر به مطالعه موردی چهار مجموعه داستانی صاحب‌الان، او یک فرشته بود، اغماء و میوه ممنوعه پرداخته می‌شود. در حقیقت دایره تحقیقمان را محدود کردیم تا در این حیطه محدود به ژرفای بیشتری دست بیابیم. امید که نتایج این تحقیق بتواند طرحی از سیر تحول شخصیت در درام‌های دینی عرضه کند. به عبارت دیگر، این پژوهش درصدد است تا با بررسی درام‌های پیش‌گفته انواع سیر تحول شخصیت‌ها در درام را مورد بررسی قرار دهد. همچنین تنوع تحول شخصیت‌ها در یک درام و مرتبط بودن آن را در کیفیت ساخت را بررسی کند.

پیشینه پژوهش

محمدزاده (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «بررسی سیر تحول شخصیت در چند رمان شاخص دفاع مقدس» انجام داده است. این تحقیق با هدف بررسی عنصر شخصیت‌پردازی که به عنوان یکی از عناصر اصلی داستان است و همچنین سیر تحول شخصیت به صورت دقیق، از منظر باورپذیری و رعایت قواعد منطقی در چند رمان شاخص دفاع مقدس مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش، ضعف و قوت شخصیت‌پردازی را در چهار رمان زمستان ۶۲، ارمیا، سوران سرد و جمجمه‌ات را قرض بده! مشخص می‌کند. برای حصول نتیجه مطلوب سعی شده است تا از هر دوره، یک اثر شاخص مورد بررسی قرار گیرد.

حسن‌زاده توکلی (۱۳۸۹) پژوهشی با عنوان «بررسی تحول شخصیت در تذکره‌الاولیای عطار» انجام داده است. این تحقیق با هدف بررسی ساختار روایت‌های تحول شخصیت در تذکره‌الاولیای عطار اجرا شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که ساختار روایت به ساختارهای مدرن روایت نزدیک می‌شود که این شگرد در سنت صوفی، سبب می‌شود روایتگری، از منطقی متفاوت از منطقی که در ساخت قصه‌های مدرن به کار می‌رود، پیروی کند. بنابراین رویکردی که در پژوهش حاضر برای تحول شخصیت در نظر گرفته شده است، رویکردی چندسویه است.

محمدی (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان «مطالعه رویکرد چهار خصیصه اصلی نورپردازی

در مواجهه با سیر تحول مثبت و منفی شخصیت اصلی در فیلم‌های سینمایی و مجموعه‌های تلویزیونی» انجام داده است. این تحقیق با این هدف که آیا سیر تحول شخصیت می‌تواند مبنای مناسبی برای طراحی نور در فیلم باشد، اجرا شده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که نور می‌تواند موجب هر تغییری در یک فیلم، حتی در یک شخصیت شود، چراکه از این طریق احساسات مخاطب به صورت خودآگاه و ناخودآگاه برانگیخته می‌شود.

طالبی حقه (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان «تحلیل گام‌های منحنی تحول شخصیت دراماتیک در سریال تلویزیونی با استفاده از نظریات الیزابت کوبلر راس و تامس ای هریس (بررسی موردی سریال شهرزاد و Breaking و Bad) انجام داده است. این تحقیق با هدف چگونگی استفاده از نظریات الیزابت کوبلر راس و تامس ای هریس برای تحلیل منحنی تحول شخصیت در سریال تلویزیونی اجرا شده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که تحول شخصیت دارای منحنی است که با طی نمودن آن در طول داستان، شخصیت دچار تحول می‌گردد.

سینی‌پور (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان «بررسی تحول شخصیت در رمان‌های نوجوان احمد اکبرپور، سه سوت جادویی، من نوکر بابا نیستم و امپراتور کلمات» انجام داده است. این تحقیق با هدف بررسی تحول شخصیت در رمان‌های نوجوان احمد اکبرپور، سه سوت جادویی، من نوکر بابا نیستم و امپراتور کلمات اجرا شده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که شخصیت‌های اصلی هر سه رمان به دنبال حوادث و رویدادهای داستان طی کنش و واکنش‌ها و کشمکش‌های موجود در رمان روند تغییر و دگرگونی‌های فردی را طی کرده، و در انتها به رشد و رشد و تحول و خودآگاهی دست یافته‌اند.

آقاحسنی (۱۳۸۹) پژوهشی با عنوان «بررسی تحول شخصیت برانژه در چهار نمایش‌نامه از اوژن یونسکو به نام‌های قاتل بی‌مزد و موجب، کرگدن، شاه می‌میرد و پیاده در هوا» انجام داده است. این تحقیق با هدف بررسی تحول منطقی شخصیت برانژه در چهار نمایش‌نامه قاتل بی‌مزد و موجب، کرگدن، شاه می‌میرد و پیاده در هوا اجرا شده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که در نمایش‌نامه‌های یونسکو، مفهوم شخصیت دچار تحول

واضحی شده است که به صورت نزول از صفت انسانی به صفت حیوانی و همچنین بازگشت از تمدن به طبیعت شکل می‌گیرد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از روش تحقیق محتوای کیفی بهره برده است و در این مسیر پنج مرحله ذیل را به کار بسته است:

۱. تقسیم‌بندی یا خرد کردن یک اثر به اجزاء یا به عبارتی تحلیل (Analysis): در این مرحله کل را به اجزایش تقسیم‌بندی می‌کنیم.
 ۲. گزارش کردن (Expression): در این مرحله گزارش‌های کلی از کل اثر و همچنین از اجزاء اثر داده می‌شود.
 ۳. تبیین (Explanation): در این مرحله روابط علی و معلولی را می‌یابیم. به تعبیر دیگر کشف چرایی‌ها از دل فیلمنامه کار سوم تحلیل است. برای مثال، علت نزاع و درگیری قهرمان، علت مهاجرت قهرمان، علت انجام یک کاری از جانب فلان شخصیت فیلمنامه در فلان زمان، همه از طریق تبیین صورت می‌گیرد.
 ۴. یافتن پیوندهای پنهان در اثر (Finding hidden associations): در این مرحله پس از تقسیم‌بندی، گزارش کردن و تبیین، ما با مجموعه‌ای از فکت‌ها سروکار داریم و باید بررسی کنیم که آیا روابطی بین این‌ها برقرار است یا خیر؟ در واقع روابطی که در ظاهر فیلمنامه مشخص نیست را می‌یابیم و به یافتن پیوندهای پنهان در فیلمنامه می‌پردازیم.
 ۵. دلالت‌شناسی یا تفسیر (Interpretation): در این مرحله، پس از اینکه چهار مرحله قبل انجام شده است، ما به دنبال یافتن معنای رویدادها در فیلمنامه هستیم. برای مثال در قسمتی از فیلمنامه، در ظاهر نزاع بین شخصیت ۱ و ۲ صورت گرفته است، اما در واقع ما به دنبال یافتن علت این نزاع بین شخصیت ۱ و ۲ هستیم.
- به عبارت دیگر، برای رسیدن به یافته‌های نهایی و به دست آوردن تحول تمامی شخصیت‌های پویای مجموعه تلویزیونی‌های مورد نظر، مراحل پیش گفته در عمل این گونه

پیش رفته‌اند: در ابتدا خطر سیر داستان را مشخص شده است. سپس داستان را به اجزای مختلف تقسیم‌بندی شده است. بعد از آن شخصیت‌های مهم جدا شده است. سپس نوع تحول شخصیت‌ها و بعد سیر تحول هر کدام از شخصیت‌ها کشف شده است. در نهایت، با بررسی کنش‌های گفتاری، رفتاری و زبان بدن، که هر شخصیت خودش انجام می‌دهد، بررسی کنش‌هایی که دیگران برای آن شخصیت انجام می‌دهند و همچنین با بررسی کنش‌هایی که شخصیت در آن قرار می‌گیرد، دریافته‌ایم که در هر فیلمنامه چه تحولاتی وجود دارد و سیر این تحولات چگونه است.

چارچوب نظری

نظریه تحول شش‌گانه شخصیت در درام

چنان که می‌دانیم، شخصیت پویا شخصیتی است که در داستان، دستخوش تغییر و تحول باشد و جنبه‌ای از شخصیت او، عقاید و جهان‌بینی او یا خصلت و خصوصیت شخصی او دگرگون شود. این دگرگونی ممکن است عمیق باشد، یا سطحی؛ پدیده‌ای باشد یا محدود. ممکن است این تحول در راستای سازندگی شخصیت‌ها عمل کند، یا در ویرانگری آن‌ها، یعنی در راستای متعالی کردن او پیش برود، یا در زمینه تباهی او. این تغییر، اساسی و مهم است و تغییری نیست که مثلاً در سرما خوردگی در حال وضع آدم ظاهر می‌شود یا در لحظه‌ای حالت و عقیده شخص را دگرگون کند. (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۹۴)

حال، در نظریه تحول شش‌گانه شخصیت بحث بر سر این است که تحول شخصیت‌های پویا بر شش‌گونه است. به عبارت دیگر، هر نوع تحول شخصیت در دنیای درام به یکی از این شش نوع قابل فروکاست خواهد بود:

۱. سقوط: عبارت از تبدیل شخصیتی مثبت به شخصیتی منفی در درام است؛

۲. رستاخیز: عبارت از تبدیل شخصیتی منفی به شخصیتی مثبت در درام است؛

۳. صعود یا تعالی: عبارت از تبدیل شخصیتی مثبت به شخصیتی مثبت‌تر است؛

۴. نزول یا تدنی: عبارت از کاسته شدن از ویژگی‌های مثبت شخصیتی مثبت و نزول یا

تدنی او است، درحالی که همچنان دارای شخصیتی مثبت است و نمی‌توان او را شخصیتی منفی نامید؛

۵. از قهقرا بازگشتن: عبارت از کاسته شدن از ویژگی‌های منفی شخصیتی منفی و تبدیل او به شخصیتی با ویژگی‌های منفی کم‌تر است؛

۶. به قهقرا رفتن: عبارت از تبدیل شخصیتی منفی به شخصیتی منفی‌تر است. (کرمی،

۱۴۰۱)

یافته‌های پژوهش

۱. بررسی تحول شخصیت‌های سریال صاحب‌دلان

شخصیت‌های پویای متعددی در سریال صاحب‌دلان وجود دارد. هر کدام از این شخصیت‌ها، با توجه به ویژگی‌هایی که دارند و نیز با توجه به تاثیر محیط و رفتار دیگران بر آنان دارای سیر تحولی در شخصیت‌شان هستند که این سیر تحول می‌تواند یکی از مراحل شش‌گانه شخصیت باشد. با توجه به این مراحل شش‌گانه شخصیت، به بررسی شخصیت‌های پویای در این سریال می‌پردازیم:

«سید خلیل» با توجه به خوابی که دیده است، درصدد پیدا کردن تعبیر خوابش است. او در این راستا دچار مشکلاتی می‌شود که سعه‌صدر او بالا می‌رود و در برابر مشکلاتی که اطرافیانش به او وارد می‌کنند یا مشکلاتی که برای اطرافیانش به وجود می‌آید، صبر می‌کند و به خداوند توکل می‌کند. سید خلیل در ابتدا دارای شخصیت مثبت است و در انتها به شخصیت مثبت‌تر تبدیل می‌شود. بنابراین می‌توان گفت تحول شخصیت او از نوع تعالی یا صعود است. «جلیل» از همان ابتدا دارای شخصیت منفی است و حلال و حرام بودن اموالش برای او مهم نیست، اما او بعد از فوت برادرش، حق تمام کسانی که گرفته بود را پس می‌دهد. او با توجه به اتفاقاتی که برایش به وجود می‌آید و نیز پس از مرگ برادرش سید خلیل، با پاهای برهنه به سمت خانه برادرش می‌رود. او در انتها از شخصیتی بد به شخصیتی خوب تغییر پیدا می‌کند. بنابراین می‌توان گفت تحول شخصیت او از نوع رستاخیز است.

«دینا» از همان ابتدا دارای شخصیت مثبت است. او در ابتدا به خواب پدر بزرگش به صورت جدی توجهی ندارد، اما با دیدن نشانه‌هایی برای یافتن تعبیر خواب، مطمئن می‌شود که خوابی که پدر بزرگش برای او تعریف کرده است، حتما دارای پیام مهمی است. از این رو او به پدر بزرگش برای یافتن تعبیر خوابی که دیده است، کمک می‌کند. دینا از شخصیتی مثبت به شخصیتی منفی تغییر پیدا می‌کند. بنابراین می‌توان گفت تحول شخصیت او از نوع تعالی یا صعود است.

«رامین» دارای شخصیت مثبت است. از همان ابتدا با کارهای نادرست پدرش مخالف است و در صدد جبران کارهای پدرش بر می‌آید. او در انتها از شخصیتی مثبت به شخصیتی مثبت‌تر تغییر پیدا می‌کند و تحول شخصیت او از نوع تعالی یا صعود است.

«شاهین» در ابتدا دارای شخصیت منفی است و به پدرش در کارهای نادرستی که انجام می‌دهد، کمک می‌کند. او از اینکه برادرش رامین را زندانی کرده است، احساس ندامت می‌کند، اما با دیدن مسجدی، اشک در چشمانش حلقه می‌زند. در این حین او تصمیم می‌گیرد رامین را از زندان آزاد کند و آسیبی به برادرش وارد نکند. او علت این کارش را ترساندن و ناراحت کردن پدرش می‌داند. شاهین با اینکه دارای شخصیت منفی است، اما در انتها از شخصیت منفی او کاسته می‌شود. بنابراین می‌توان گفت تحول شخصیت او از نوع از قهقرا بازگشتن است.

«محمود» از همان ابتدا دارای شخصیت منفی است. او برای به دست آوردن پول، برادرزاده‌اش را در چاه می‌اندازد و نیز اقدام به قتل عمویش می‌کند. او در انتها از شخصیتی بد به شخصیتی بدتر تغییر پیدا می‌کند. بنابراین می‌توان گفت تحول شخصیت او از نوع به قهقرا رفتن است.

۲. بررسی تحول شخصیت‌های سریال او یک فرشته بود

در سریال او یک فرشته بود، شخصیت‌های پویا وجود دارد، اما به اندازه شخصیت‌های پویا در سریال صاحب‌دلان نیست. هر کدام از این شخصیت‌ها، با توجه به ویژگی‌هایی که دارند و نیز با توجه به تاثیر محیط و رفتار دیگران بر آنان، دارای سیر تحولی در شخصیت‌شان

هستند که این سیر تحول می‌تواند یکی از مراحل شش‌گانه شخصیت باشد. با توجه به این مراحل شش‌گانه شخصیت، به بررسی شخصیت‌های پویای در این سریال می‌پردازیم:

«بهزاد طاهری» در ابتدا دارای شخصیت مثبت است، اما پس از آمدن دختری به نام فرشته در زندگی‌اش، شخصیت مثبت او کمی تقلیل پیدا می‌کند و زندگی‌اش را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. پس از بر ملا شدن چهره واقعی فرشته، بهزاد از کارهایی که کرده احساس ندامت می‌کند و به درگاه خداوند توبه می‌کند و در راستای بهتر شدن زندگی‌اش تلاش می‌کند. او در انتها از شخصیتی مثبت به شخصیتی مثبت‌تر تغییر پیدا می‌کند. بنابراین می‌توان گفت تحول شخصیت او از نوع تعالی یا صعود است.

«رعنا» در ابتدا دارای شخصیت مثبت است. او پس از گذراندن مشکلاتی که فرشته برای زندگی‌اش به وجود آورده است و با وجود دلخوری‌هایی که از همسرش دارد، برای بهتر شدن زندگی‌اش تلاش می‌کند. او در انتها از شخصیتی مثبت به شخصیتی مثبت‌تر تغییر پیدا می‌کند. بنابراین می‌توان گفت تحول شخصیت او از نوع تعالی یا صعود است.

۳. بررسی تحول شخصیت‌های سریال اغماء

سریال اغماء دارای شخصیت‌های پویا است. هر کدام از این شخصیت‌ها، با توجه به ویژگی‌هایی که دارند و نیز با توجه به تاثیر محیط و رفتار دیگران بر آنان دارای سیر تحولی در شخصیت‌شان هستند که این سیر تحول می‌تواند یکی از مراحل شش‌گانه شخصیت باشد. با توجه به این مراحل شش‌گانه شخصیت، به بررسی شخصیت‌های پویای در این سریال می‌پردازیم:

«دکتر پژوهان» در ابتدا شخصیتی مثبت دارد، اما بعد از فوت همسرش نسبت به عدالت خداوند شک می‌کند و شخصیت مثبت او کمی تقلیل می‌یابد. بعد از اینکه خواب همسرش را می‌بیند متوجه می‌شود که شک او نابخاست و نباید نسبت به مقدرات خداوند گلایه کند. ازین‌رو از شکی که کرده است، احساس ندامت می‌کند و به درگاه خداوند توبه می‌کند. دکتر پژوهان سعی می‌کند با مرگ همسرش کنار بیاید. او با آمدن الیاس سعی می‌کند خود را

مشغول همنشینی با او کند تا از غم فقدان همسرش کاسته شود. از آنجا که الیاس در گذشته دارای شخصیتی مثبت بوده، دکتر پژوهان با این تصور به حرف‌های او اعتماد می‌کند، گفته‌های او را می‌پذیرد و هر کاری که او می‌گوید را انجام می‌دهد. دکتر پژوهان پس از بر ملا شدن صورت واقعی الیاس، از کارهایی که کرده است، ناراحت می‌شود و درصدد جبران آن برمی‌آید. او در انتها از شخصیتی مثبت به شخصیتی مثبت‌تر تغییر پیدا می‌کند. بنابراین می‌توان گفت تحول شخصیت او از نوع تعالی یا صعود است.

«رز قدیانی» از همان ابتدا دارای شخصیت منفی است. اعتیاد او سبب می‌شود نسبت به پدر و مادرش بی‌احترامی کند، به آن‌ها دروغ بگوید و در نهایت از خانه فرار کند و پس از مصرف زیاد مواد در حین رانندگی با ماشینش تصادف کند و بمیرد. او در انتها از شخصیتی منفی به شخصیتی منفی‌تر تغییر پیدا می‌کند. بنابراین می‌توان گفت تحول شخصیت او از نوع به قهقرا رفتن است.

«مادر رز» در ابتدا دارای شخصیت منفی است. اعتقاد او به خداوند کم‌رنگ است، اما بعد از بیماری دخترش، اعتقادش نسبت به خدا محکم‌تر می‌شود و برای شفای دخترش نیت نذر می‌کند تا بعد از شفای دخترش آن را ادا کند. او در انتها از شخصیتی منفی به شخصیتی مثبت تغییر پیدا می‌کند. بنابراین می‌توان گفت تحول شخصیت او از نوع رستاخیز است.

۴. بررسی تحول شخصیت‌های سریال میوه ممنوعه

سریال میوه ممنوعه دارای شخصیت‌های پویای متعددی است. هر کدام از این شخصیت‌ها، با توجه به ویژگی‌هایی که دارند و همچنین با توجه به تاثیر محیط و رفتار دیگران بر آنان دارای سیر تحولی در شخصیت‌شان هستند که این سیر تحول می‌تواند یکی از مراحل شش‌گانه شخصیت باشد. ما با توجه به این مراحل شش‌گانه شخصیت، به بررسی شخصیت‌های پویا در این سریال می‌پردازیم:

«حاج یونس فتوحی» در ابتدا دارای شخصیت مثبت است. او کارهایش را به‌گونه‌ای

سال دخترش است باعث می‌شود در دام گناه بیفتد و برای ازدواج با او تصمیم به طلاق از همسرش بگیرد. سرانجام، او متوجه اشتباهش می‌شود و احساس ندامت می‌کند و با رفتن به مسجد و دعا و راز و نیاز به درگاه خداوند به خاطر کارهایش، توبه می‌کند. او در انتها از شخصیتی مثبت به شخصیتی مثبت‌تر تغییر پیدا می‌کند. بنابراین می‌توان گفت تحول شخصیت او از نوع تعالی یا صعود است.

«قدسی» در ابتدا دارای شخصیت مثبت است. او مدیر مدرسه است و در طول روز مشغول کار است. همچنین او در ادامه روز هم مشغول هماهنگی و رسیدگی به کارهایش است و وقتی معینی برای همنشینی با خانواده‌اش اختصاص نمی‌دهد. از این رو قدسی پس از اینکه همسرش دل‌داده دختری می‌شود، تصمیم می‌گیرد به زندگی‌اش اهمیت بیشتری بدهد و وقت بیشتری را با خانواده‌اش سپری کند. او در انتها از شخصیتی مثبت به شخصیتی مثبت‌تر تغییر پیدا می‌کند. بنابراین می‌توان گفت تحول شخصیت او از نوع تعالی است.

«هستی» از ابتدا دارای شخصیت منفی است. او تصمیم می‌گیرد برای احیای مجدد کارخانه به حاج فتوحی نزدیک شود. از این رو سعی می‌کند او را مجذوب خود کند. در این حین پس از به قتل رسیدن پدرش توسط پسر حاج فتوحی، هستی تصمیم می‌گیرد او را با ماشین بزند تا به قتل برسد، اما موفق نمی‌شود. هستی در اثر سانحه تصادف به کما می‌رود. سرانجام او پس از اینکه از کما به هوش می‌آید، به دلیل کارهایی که کرده، از حاج یونس طلب حلالیت می‌کند. او در انتها همچنان دارای شخصیت منفی است، اما از میزان منفی بودن او کاسته می‌شود. بنابراین می‌توان گفت تحول شخصیت او از نوع از قهقرا بازگشتن است.

«جلال» از همان ابتدا دارای شخصیت منفی است. او در صدد است برای به دست آوردن پول بیشتر، کارخانه شایگان را از هر راهی که می‌تواند به دست آورد. جلال برای تقاص کاری که هستی با پدرش کرده و نیز برای به دست آوردن کارخانه شایگان، پدر هستی را به قتل می‌رساند. بعد از مطلع شدن پلیس از این ماجرا، جلال به زندان می‌رود. جلال در زندان احساس ندامت می‌کند. او در انتها همچنان دارای منفی است، اما از میزان منفی بودن او کاسته می‌شود. بنابراین تحول شخصیت او از نوع از قهقرا بازگشتن است.

بحث و نتیجه گیری

از تحلیل مجموعه تلویزیونی های منتخب در این پژوهش و نیز با بررسی های علمی صورت گرفته در این راستا می توان دید که نظریه تحول شش گانه شخصیت به روشنی تحول شخصیت های این چهار مجموعه را توضیح می دهد:

۱. برخی شخصیت ها از وضعی منفی به وضعی مثبت تحول پیدا می کنند (رستاخیز). در اینجا طبعاً فرد در ابتدا دارای شخصیتی منفی است. در این راستا دیگران سعی می کنند تا او را متوجه این وضعیت کنند، اما او نمی پذیرد. پس کم کم اوضاع برایش بدتر می شود تا به نقطه ای بحرانی می رسد. در این هنگام ضربه ای به او وارد می شود که این تلنگر نهایی سبب تحول او می شود و فرد شروع به برگشتن می کند. هرچند او دارای شخصیت منفی است، اما روزنه هایی از امید در روح و روان او وجود دارد که درصدد جبران اشتباهاتش برمی آید و در نهایت دارای شخصیتی مثبت می شود. به عنوان مثال تحول شخصیت جلیل در سریال صاحب دلان از این نوع است.

۲. برخی از شخصیت ها از وضعی مثبت به وضعی منفی می رسند (سقوط). چنین شخصیت هایی به مرور از راه به در می شوند و وارد منجلاب می شوند، تا جایی که به نقطه ای می رسند که با تلنگر و نشانه های دیگران هم از این منجلاب بیرون نخواهد آمد. در بررسی شخصیت های پویای مجموعه تلویزیونی های مورد نظر، تحول از نوع سقوط شخصیت یافت نشد.

۳. بعضی از شخصیت ها از وضعی مثبت به وضع مثبت تری تحول پیدا می کنند (تعالی یا صعود). در اینجا فردی که دارای وضعیت خوبی است، شخصیت او با اتفاقات خوب و بدی که برای او رخ می دهد، در جهت بهتر شدن رشد می کند. روح او در این راستا صیقل می یابد و در نهایت به نقطه اوجی می رسد که پیش تر بدان نرسیده بوده است. این سیر تحول نشان دهنده شخصیتی است که متعالی شده است. به عنوان مثال تحول شخصیت سید خلیل در سریال صاحب دلان از این نوع است.

۴. بعضی از شخصیت ها از وضعی مثبت تر به وضعی مثبت می رسند، یعنی تاحدودی

از مثبت بودن آن‌ها کاسته می‌شود، اما همچنان شخصیتی مثبت هستند (تدنی یا نزول). در اینجا فرد در ابتدا دارای وضعیت خوبی است، اما به مرور با انجام کارهایی، شخصیت مثبت فرد نزولی می‌شود، در حالی که همچنان دارای شخصیت مثبت است. در بررسی شخصیت‌ها پویای مجموعه تلویزیونی‌های مورد نظر، نزول شخصیت یافت نشد.

۵. بعضی از شخصیت‌ها از وضعی منفی به وضع منفی‌تری می‌رسند (به قهقرا رفتن). در اینجا فرد در وضعی منفی است و آرام‌آرام با کنش‌هایی که خودش دارد، و با وجود نشانه‌هایی که بر سر راهش قرار می‌گیرند و تلنگرهایی که از سوی دیگران به او زده می‌شود، به وضعیت منفی‌تری می‌رسد. به‌عنوان مثال تحول محمود در سریال صاحب‌دلان از این نوع است.

۶. برخی از شخصیت‌ها از وضعی منفی‌تر به وضعی منفی می‌رسند و در واقع از منفی بودن شخصیت‌شان قدری کاسته می‌شود، هر چند همچنان شخصیتی منفی هستند. چنین فردی که دارای وضعی بد است، با توجه کردن به تلنگرهای دیگران و یا نشانه‌هایی که بر سر راهش قرار می‌گیرد، آرام‌آرام کنش‌هایی صورت می‌دهد که از منفی بودن شخصیتش کاسته می‌شود، هر چند همچنان دارای شخصیت منفی است. به‌عنوان مثال تحول شخصیت هستی شایگان در سریال میوه ممنوعه از این نوع است.

افزون بر این‌ها، در این چهار مجموعه تلویزیونی می‌بینیم که هر مجموعه‌ای به میزانی که دارای شخصیت‌های پویای بیشتری است، طبعاً از این لحاظ واجد کیفیت هنری بهتری خواهد بود. همچنین هرچه شخصیت‌های پویای درگیر در حول محور اصلی داستان بیشتر باشند، پیچیدگی داستان بیشتر خواهد بود. بنابراین از سوی دیگر، هر زمان که در قالب‌هایی نظیر این سریال‌ها، اثر خوبی می‌بینیم، متوجه می‌شویم که تحول شخصیت‌های آن فیلمنامه تنوع بیشتری دارد.

منابع

۱. آقاحسنی، سعیده (۱۳۸۹). بررسی تحول شخصیت برانزّه در چهار نمایش نامه از اوژن یونسکو به نام‌های قاتل بی مزد و موجب، کرگدن، شاه می‌میرد و پیاده در هوا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه زبان و ادبیات خارجی. دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه اصفهان.
۲. حسن‌زاده توکلی، محمد تقی (۱۳۸۹). بررسی تحول شخصیت در تذکره‌الاولیای عطار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه زبان و ادبیات فارسی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۳. سیفی‌پور، محمدجواد (۱۳۹۹). بررسی تحول شخصیت در رمان‌های نوجوان احمد اکبرپور: سه سوت جادویی، من نوکر بابا نیستم و امپراتور کلمات. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه پیام‌نور استان تهران.
۴. طالبی حقه، حسام (۱۳۹۹). تحلیل گام‌های منحنی تحول شخصیت دراماتیک در سریال تلویزیونی با استفاده از نظریات الیزابت کوبلر راس و تامس ای هریس (بررسی موردی سریال شهرزاد و *Breaking Bad* و *Bad*). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم انسانی. دانشکده تولید رادیو و تلویزیون دانشگاه صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
۵. کرمی، محسن. (۱۴۰۱). مصاحبه خصوصی.
۶. محمدی پرفکر، علی (۱۳۹۹). مطالعه رویکرد چهار خصیصه اصلی نورپردازی در مواجهه با سیر تحول مثبت و منفی شخصیت اصلی در فیلم‌های سینمایی و مجموعه‌های تلویزیونی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم انسانی. دانشکده تولید رادیو و تلویزیون دانشگاه صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
۷. میرصادقی، جمال (۱۳۸۵). عناصر داستان. تهران: انتشارات سخن.

**Applying the "Six-Stage Character Transformation
in Drama" Theory in the TV Series
Sahebdelan, Oo yek freshteh boud (She Was an Angel),
Eghmaa, and Mive-ye mamnooe (Forbidden Fruit)**

Farzaneh Sadeghi*

Mohsen Karami (corresponding author)**

Abstract

Objective: The purpose of this research is to analyze the character transformation process through the application of the "Six-Stage Character Transformation in Drama" theory, using the TV series Sahebdelan, He Was an Angel, Aghmaa, and Forbidden Fruit as case studies. This research aims to examine the various types of character transformations in these dramas and demonstrate how the diversity of character transformations in a drama contributes to its quality.

Research Methodology: The research method is qualitative content analysis, which includes specialized techniques in processing research data. This method seeks to perceive the perceptual and emotional aspects of messages or to understand the hidden and extractable aspects of statements and contents. Therefore, in addition to describing the state and nature of the phenomenon or subject, the researcher in this path also explains the how and other dimensions of it, as well as the qualitative analysis of the content of the work.

Findings: The six types of character transformation, namely resurrection, fall, ascent, decline, regression, and deterioration, were all present in the dramas examined in this research. In other words, the character transformations in these dramas are not solely limited to the category of resurrection (repentance), but other types of transformations also exist. Nevertheless, in a series like Sahebdelan, where character transformation is more diverse, the quality of the drama is also higher.

Discussion and Conclusion: Based on the findings of the analysis of the

* MA, Department of Media Arts, Faculty of Religion and Media, University of Broadcasting, Qom, Iran. mghammahmood@gmail.com

** Assistant Professor, Department of Media Arts, Faculty of Religion and Media, University of Broadcasting, Qom, Iran. mohsenkarami@iribu.ac.ir

character transformation process in the target dramas, it can be concluded that to have a screenplay of desirable quality, in addition to the transformation of the protagonist, the other characters in a screenplay should also undergo transformation, although not to the same extent as the protagonist.

Keywords: Drama, Character, Character Transformation Process, Six-Stage Character Transformation in Drama Theory

